آن طرف

عبور از چیزی به معنای رفتن به آن طرف آن است.

او از آن طرف تخته به طرف دیگر رفت.

نفس کشیدن

نفس کشیدن به معنای این است که اجازه دهید هوا به بدن وارد و خارج شود.

برای کمک به تنفس خوب به ریه های سالم و قوی نیاز داریم.

مشخصه

ویژگی چیزی است که نشان می دهد یک شخص یا یک چیز چگونه است.

یکی از ویژگی های ببرها راه راه های سیاه آنها است.

مصرف کردن

مصرف چیزی به معنای خوردن یا نوشیدن آن است.

جک یک بشقاب کامل ماکارونی مصرف کرد.

هیجان زده کردن

هیجان زده کردن کسی به معنای خوشحال کردن و علاقه مند کردن او است.

من در مورد رقص مدرسه در روز جمعه شنیدم. این من را هیجان زده کرد.

مفرط

اگر چیزی افراطی باشد ، مقدار یا درجه زیادی دارد.

تمرین او به حدی شدید بود که به شدت عرق کرده بود.

ترس

ترس احساس ترسیدن است.

من ترس زیادی از اسکیت بورد دارم.

خوش شانس

اگر خوش شانس باشید ، خوش اقبال هستید.

من خوش شانس بودم که توانستم صندلی بگیرم.

اتفاقی پیش امدن

اگر شخصی اتفاقاً کاری را انجام دهد ، آن را به طور اتفاقی انجام می دهد.

من اتفاقاً امروز با چند دوست جدید در مدرسه آشنا شدم.

طول

طول چیزی به اندازه طول آن از یک سر به سر دیگر است.

طول کف سه متر است.

اشتباه

اشتباه کاری است که شما نادرست انجام می دهید.

رئیس من همیشه وقتی اشتباه می کنم سرم داد می زند.

مشاهده کردن

مشاهده چیزی دیدن آن است.

برایان طلوع خورشید را بر فراز کوهها مشاهده کرد.

فرصت

فرصت شانسی برای انجام کاری است.

من فرصتی برای عکس گرفتن در جنگل داشتم.

جایزه

جایزه چیزی با ارزش است که به برنده تعلق می گیرد.

من برای گرفتن بهترین نمره در آزمون علومم جایزه گرفتم.

مسابقه

مسابقه یک رقابت است تا ببینید سریعترین کیست.

پل یک دونده سریع است ، بنابراین به راحتی برنده مسابقه شد.

پی بردن

فهمیدن این است که ناگهان بفهمیم.

بعد از اینکه از خانه ام خارج شدم ، متوجه شدم که چراغ را روشن گذاشته ام.

پاسخ دادن

پاسخ دادن به معنای جواب دادن به گفته های شخص دیگری است.

وقتی معلم سوال را پرسید ، همه ما پاسخ دادیم.

خطر

خطر احتمال وقوع اتفاق بد است.

من ریسک کردم و از کوه برفی بالا رفتم.

حیران بودن

حیران بودن این است که از خود سوالی بپرسید یا نیازی به دانستن داشته باشید.

مادر جوان حیران بود که آیا پسر یا دختری دارد؟

هنوز

از yetبرای گفتن چیزی استفاده می شود که تاکنون اتفاق نیفتاده است.

ما هنوز نمی توانیم بیرون برویم ما هنوزدر حال خوردن هستیم.

یک سگ گروهی از حیوانات را در آن طرف جاده دید. او به استقبال آنها رفت. "چه کار می کنی؟" از آنها پرسید

اردک پاسخ داد: "من فقط بلیط های آنها را برای مسابقه بین خرگوش و لاک پشت فروختم."

این خبر سگ را به هیجان آورد. او از اینکه اتفاقاً آنجا بود احساس خوش شانسی کرد. سگ گفت: "من امروز کاری ندارم" "من هم می خواهم بلیط بخرم همچنین."

سگ به تماشای مسابقه نشست. مسابقه بسیار شدید خواهد بود. طول آن چندین کیلومتر خواهد بود. خرگوش و لاک پشت کنار هم ایستادند. آنها منتظر شروع مسابقه بودند. سگ تعجب کرد که چرا لاک پشت موافقت کرد که علیه خرگوش بدود. سریع بودن از ویژگی های لاک پشت ها نبود. خرگوش قرار بود به راحتی برنده شود.

ناگهان مسابقه آغاز شد. خرگوش خیلی سریع دوید. لاک پشت آهسته راه می رفت. بعد از یک دقیقه ، خرگوش به عقب نگاه کرد. دید لاک پشت خیلی عقب است و از شدت خستگی سریع نفس می کشد. خرگوش لبخندی زد و آهسته راه رفت.

یک دقیقه بعد ، خرگوش گفت: "من برنده ام ، بنابراین استراحت خواهم کرد." او نشست و شروع به مصرف مقداری علف کرد. سپس ، اجازه داد چشمانش بسته شوند. او هنوز برنده نشده بود. اما خطر باختن او در مسابقه وجود نداشت. او رفت بخوابد.

ساعت ها بعد صدای بلندی او را بیدار کرد. همه حیوانات داد می زدند و به مزارع نگاه می کردند. او برای اولین بار احساس ترس کرد. لاک پشت تقریباً در خط پایان بود. حالا ، خرگوش به اشتباه خود پی برد. اما مسابقه تمام شده بود. او به لاک پشت فرصتی داد تا برنده شود و لاک پشت از آن استفاده کرد. اردک جایزه خود را به لاک پشت داد. این شادترین روز زندگی لاک پشت بود.

سگ برای لاک پشت خوشحال بود. سگ فکر کرد: "او سریع نیست." "اما او تمام تلاش خود را کرد و کار بزرگی انجام داد."